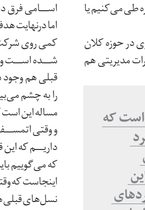

«فرهیختگان» از نشست ارزیابی و تنقیح خط‌مشی علم، فناوری و نوآوری در ایران گزارش می‌دهد

رویکرد مشارکتی در تدوین سیاست‌ها نداریم

فرهیختگان سیاستگذاری در حوزه علم و فناوری از این جهت اهمیت دارد که ابعاد گسترده‌ای از جمله، آموزش عالی اقتصاد و صنعت را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و به همین دلیل است که در این حوزه با چالش‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو هستیم. بیش از ۳ دهه است که سیاستگذاری‌های مختلفی در حوزه علم و فناوری صورت گرفته، اما در حیطه اجرا شاهد آن هستیم که از سوی سازمان‌ها و ارگان‌های متولی موازی کاری صورت گرفته یا نظارتی در روند اجرایی‌سازی این اسناد صورت نمی‌گیرد. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور در راستای بررسی خط مشی حوزه علم و فناوری در کشور اقدام به برگزاری نشستی با این عنوان کرده است. در این نشست پریسا علیزاده و مهدیه فرازکیش دو عضو هیات‌علمی مرکز تحقیقات به بیان نظرات خود در این حوزه پرداخته‌اند.

پریسا علیزاده، عضو هیات علمی مدیر گروه پژوهشی تامین مالی و اقتصاد علم، نوآوری و فناوری مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور:

براساس مصوبه جایگاه اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی این شورا می‌تواند فعالیت و خط‌مشی گذاری کند. زمانی که صحبت از فعالیت می‌کنیم منظور ما فعالیت در لایه سیاستگذاری و خط‌مشی گذاری است که موضوع این جلسه است.

همچنین در تعیین سیاست‌های نظام آموزشی و پژوهشی و آموزش عالی کشور، تعیین و تصویب برنامه‌ها و طرح‌های همکاری حوزه و دانشگاه در زمینه‌های علمی و آموزشی‌وپژوهش و به‌طور مشخص فعالیت‌ها یا کارکردهایی که شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد، بهتر است از خط‌مشی گذاری در این حوزه‌ها و تدوین اسناد و ابلاغ اسناد و مصوبه در این حوزه‌ها پرهیز کند. در مقابل تصویب اسناد بالادستی، اساسنامه ستادها و صندوق‌ها و مرکز ملی مرتبط با توسعه فناوری و نوآوری، انتشار گزارش‌های شاخص‌ها و بررسی وضعیت موجود در حوزه پژوهش و فناوری و نوآوری باید مد نظر قرار گیرد.

سیاستگذاری در حوزه آموزش عالی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری وزارت عتف باشد

در حوزه آموزش عالی هم اگر در زمینه بررسی وضعیت موجود، انتشار شاخص‌ها و روندها و سیاستگذاری قرار است شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیتی را انجام دهد بهتر است این فعالیت‌ها با همکاری شورای عالی عتف انجام شود. در حوزه سیاستگذاری و تهیه مصوبات در زمینه پژوهش، ارتباط صنعت و دانشگاه، پارک‌های علم و فناوری، مناطق ویژه، شرکت‌ها و موسسات دانشگاهی، واحدهای فناور، در حوزه سرمایه‌گذاری و تامین مالی در نظام نوآوری و مالکیت صنعتی هم به نظر می‌رسد که فعالیت‌ها و سیاستگذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی موضوعیت نداشته باشد.

تلاش کردم که در محدوده فرصتی که در اختیار بود تا حدی به آنچه در لایه سیاستگذاری حوزه علم و فناوری از حیث فرآیند و محتوا می‌گذرد بپردازم با تمرکز بر شوراهای اصلی که در این لایه قرار دارند.

شورای عالی عتف و شورای عالی انقلاب فرهنگی و مشکلات و مسائلی که در این زمینه وجود دارد و مستلزم اندیشیدن و فکر بیشتر است و آنها را با هم احصاء و مرور کنیم. تفکیک روشنی در محدوده سیاستگذاری بازیگران اصلی وجود ندارد و در بخش‌های مختلف سیاستگذاری و تدوین اسناد و سیاست‌ها توسط نهادهای مختلف به‌صورت موازی انجام می‌شود. این موضوع سبب تداخل فعالیت‌ها و بلاتکلیفی بازیگرانی است که در لایه‌های بعدی نظام نوآوری فعالیت می‌کنند.

رویکرد مشارکتی را در تدوین سیاست‌ها بین بازیگران نمی‌بینیم

مشکل بعدی این است که تا حد زیادی رویکرد سلسله مراتبی بین بازیگران اصلی وجود دارد و این درحالی است که ما در رویکردهای جدید سیاستگذاری اساسا سلسله مراتب‌ها را بسیار کمرنگ‌تر می‌بینیم و رویکردها بیشتر مشارکتی و مشورت‌گونه هستند، یعنی تقریبا رویکرد مشارکتی را در تدوین سیاست‌ها بین بازیگران در کشور خودمان نمی‌بینیم. همان‌طور که به‌صورت مختصر مرور کردیم جایگاه بازیگران اصلی نسبت به هم تا حدی مبهم و فاقد شفافیت است. مهم‌تر از آن، جایگاه این بازیگران نسبت به مجلس است. علت اینکه اهمیت دارد ما جایگاه این بازیگران را نسبت به مجلس مشخص کنیم مصوبات مجلس است که مبنای تعیین بودجه‌ها و تخصیص منابع مالی قرار می‌گیرد و طبیعتا سیاست و خط‌مشی که در ادامه خود نتواند بودجه و منابع مالی مشخصی داشته باشد اساسا سیاست یا خط‌مشی موثر و تاثیرگذاری نخواهد بود.

بنابراین تعیین تکلیف جایگاه بازیگران اصلی در لایه سیاستگذاری نسبت به مجلس و مصوباتش و در حاشیه آن نسبت به سازمان برنامه‌وبودجه بسیار حائز اهمیت خواهد بود تا اینکه خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها جنبه تزئینی و نمایشی نداشته باشد و واقعا جهت‌دهنده و مشخص‌کننده مسیر حرکت در حوزه علم و فناوری باشد. مشخص نبودن ارتباط بودجه‌ریزی و موضوع تخصیص منابع با این سیاست‌ها هم موضوع بسیار مهمی است که باید در مورد آن فکر شود.

فرهنگ ارزیابی تکاملی در کشور ما به‌شدت ضعیف است

مهدیه کیش فراز، عضو هیات‌علمی و مدیر گروه پژوهشی ارزیابی و پایش علم، فناوری و نوآوری مرکز سیاست علمی کشور:

من با فرمایشی از حضرت علی عرایضم را شروع می‌کنم. بی‌ارزش‌ترین دانش آن است که تنها بر سر زبان باشد و برترین علم آن است که در اعضا و ارکان بروز و ظهور یابد. این فرمایش حضرت علی به من یادآوری می‌کند که اگر ما در حوزه فعالیت علمی نتوانیم این را به جنبه‌ای برسانیم که به‌خصوص در حوزه‌هایی مثل مدیریت و سیاستگذاری که بحث‌هایی است که کاملا با کاربرد آن رابطه مستقیم دارد، به قول معروف رسالت اصلی خود به‌عنوان یک پژوهشگر انجام نداده‌ایم.

ما با این مبانی و تئوری‌هایی که داریم در بحث ارزیابی خط‌مشی وقتی با یک قانون یا یک سیاست فرادستی یا یک برنامه راهبردی قصد ارزیابی وزارتخانه‌ای را داریم با چه پرسش‌هایی روبه‌رو هستیم؟ باید از قبل به آنها پاسخ دهیم تا چهارچوب ارزیابی سیاست برای کار آماده باشد.

امروز به تعدادی از موارد محدودی اشاره می‌کنم که در بحث ارزیابی سیاست به‌صورت نظام‌مند انجام شده‌اند. وزارتخانه‌های ما در سطح کلان، گزارش عملکردی دارند. مثلا اینکه شورای عالی عتف سالیانه موظف است بحث اعتبارات پژوهش فناوری دستگاه‌ها را گردآوری کند و به مجلس ارائه کند. به‌طور کلی این قانون به قانون یک تا سه درصد معروف است برای اینکه ما بدانیم آیا دستگاه‌های اجرایی بودجه‌های پژوهشی خود را در نقطه خاص خود صرف می‌کنند و تخصیص می‌دهند یا خیر؟ این وظیفه‌ای قانونی برعهده عتف است و هر ساله باید از طریق سامانه سمات این گزارش را داشته باشد و این عملکرد را ارائه کند. از سوی دیگر دستگاه اجرایی مثل وزارت علوم و تحقیقات و فناوری که جزء وزارتخانه‌های اصلی حوزه‌ای است که ما در مورد آن کار می‌کنیم و پیرامون آن بحث می‌کنیم قاعدتا باید یک‌سری گزارش‌های عملکردی برای نهادهای بالادست مثل مجلس یا شورای عالی انقلاب فرهنگی داشته باشد و بگوید که در این حوزه‌های اصلی چه کاری را پیش می‌برد.

یک توافق اولیه‌ای داشته باشیم. اینکه خط‌مشی یا سیاست صرفا یک محصول نیست. صرفا یک خروجی نیست و یک فرآیند است. یعنی ماهیتش را به‌صورت فرآیندی ببینیم. مهم‌تر آن که یک فرآیند، مسیری مستقیم نیست و ما یک چرخه را طی می‌کنیم. یک‌سری مراحل از تشخیص موضوع و تصمیم‌گیری برای راه‌حل و اقدام روی آن راه‌حل و درنهایت ارزیابی اینکه آن مسیری که طی شد آیا نقطه اثر مناسب را داشته یا نه و ما باید آن مسیر را طی کنیم. موضوع دیگری که اخیرا و شاید در ۱۰ سال اخیر در ادبیات سیاستگذاری و ارزیابی مطرح شده این است که نه‌تنها این فرآیند یک فرآیند چرخشی است بلکه فرآیندی در چرخه تکاملی است. یعنی ما این چرخه را طی می‌کنیم و بعد دوباره در ابتدای یک چرخه دیگر قرار می‌گیریم و این چرخه همین‌طور رشد می‌کند تا این فرآیند رو به بهبود دیده شود. فرهنگ ارزیابی تکاملی ما در کشور به‌شدت ضعیف است و این مهم در همه حوزه‌ها هم وجود دارد، یعنی چه ارزیابی سیاست و چه ارزیابی عملکرد و چه پایش فناوری و نوآوری و... . به عبارت دیگر فکر می‌کنم در این موضوع همه با من موافق باشند که شواهد زیادی داریم که مسیر رفته را دوباره طی می‌کنیم یا می‌خواهیم چرخ را از اول تولید کنیم.

این موضوع تنها در بحث‌های سیاستگذاری در حوزه کلان نیست. دوستان می‌دانند که ما در تغییرات مدیریتی هم

> مشکل بعدی این است که تا حد زیادی رویکرد سلسله مراتبی بین بازیگران اصلی وجود دارد و این درحالی است که ما در رویکردهای جدید سیاستگذاری اساسا سلسله مراتب‌ها را بسیار کمرنگ‌تر می‌بینیم و رویکردها بیشتر مشارکتی و مشورت‌گونه هستند، یعنی تقریبا رویکرد مشارکتی را در تدوین سیاست‌ها بین بازیگران در کشور خودمان نمی‌بینیم

این‌طور هستیم و هر مدیری که می‌آید قبلی‌ها را چه نیروی انسانی که تجربی بوده و چه آنهایی که مدیریت دانش دارند را قبول ندارد. این مساله در حوزه‌های سیاستگذاری پررنگ‌تر است چون نبودن این فرهنگ و نبودن چنین تکاملی باعث می‌شود در سطح کلان آسیب‌های جدی بزنیم. این اتفاق در سطح کلان متاسفانه بلاتکلیفی را به سطح پایین هم تسری می‌دهد و وضعیت بسیار اسفناک می‌شود.

قانون جهش تولید دانش‌بنیان از منظر ماهیت حمایتی خود در دل قوانین دیگر بوده است

درمورد قوانین هم نمونه‌های زیادی داریم؛ بحث تورم قوانین چه در حوزه علم و فناوری و چه در حوزه کلاسیک‌تر و سنتی‌تر هم دیده می‌شود. در حوزه علم و فناوری به یکی از حوزه‌های داغ و به‌روز اشاره می‌کنم، مثلا قانون جهش تولید دانش‌بنیان که اخیرا هم در مجلس مصوب شد و بانی آن معاونت علمی است. در اینجا از تحلیل و ارزیابی خود این قانون می‌گذرم ولی بد نیست به پیشینه‌اش نگاهی بیندازیم. به‌جرات می‌گویم که سه نسل قانون قبل از این وجود دارد که با رویکردهای مختلف دیگر به همین موضوع توجه می‌کنند، ما قانون حمایت از ساخت و تولید داخل و قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر را داریم. امروز نیز قانون جهش تولید دانش‌بنیان را می‌بینیم. وقتی وارد قوانین می‌شویم و به محتوایشان نگاه می‌کنیم اسامی فرق دارد و حتی متولیانش هم با یکدیگر فرق دارند اما درنهایت هدف یکی است. البته جهش تولید دانش‌بنیان کمی روی شرکت‌های سبک دانش‌بنیان استارتاپی متمرکزتر شده است ولی از منظر ماهیت حمایتی‌اش در دل قوانین قبلی هم وجود داشته است، یعنی وقتی تحلیل می‌کنید این را به چشم می‌بینید.

مساله این است که وقتی نسل جدید یک قانون روی کار می‌آید و وقتی اتمسفر کاری و بازیگران و نیازها درحال تغییرند، نیاز داریم که این قوانین کامل به‌روز شوند، یعنی همان بحثی که می‌گوییم باید از قوانین فیدبک داشته باشیم اما مشکل اینجاست که وقتی نسل جدید قانون روی کار می‌آید، همچنان نسل‌های قبلی هم وجود دارند، درنتیجه اینجا از منظر نقطه‌نظر ارزیابی سیاست، تداخل‌هایی داریم که هنوز در قانون جدید به این دلیل که محل تعارض و دعوا نشود، از آن صرف‌نظر می‌کنیم و نمی‌گوییم این بند قانونی که الان تصویب می‌کنیم، نسخه‌های قبلی‌اش باطل شده است. چرا؟ چون ممکن است متولی قبلی آن وزارتخانه دیگری باشد و اگر روی کار آن وزارتخانه دست بگذاریم، این قانون هم در فرآیند تصویب با چالش روبه‌رو می‌شود، درنتیجه می‌شود تورمی قانونی که فعالان مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به این موضوع واقفند که تورم قوانین در حوزه علم و فناوری و در سایر حوزه‌ها بسیار زیاد است. از طرف دیگر موازی کاری اتفاق می‌افتد؛ معاونت علمی به‌عنوان متولی‌اش تصویب کرده و اختیاراتی دارد و از سویی دیگر اخیرا سند تحول شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شده که یک سری از اختیارات بسیار خاص را رسما به شورای عالی انقلاب فرهنگی اعطا می‌کند که قبلا به این صراحت نبود. از سویی وزارت علوم طرح تقویت آموزش عالی و پژوهش و فناوری را در مجلس جلو می‌برد که وقتی این طرح را مطالعه می‌کنیم، می‌مانیم دقیقا بندهای نوشته‌شده قرار است کدام قسمت از اکوسیستم علم و فناوری و نوآوری را تقویت کند؟

بحث دیگر مربوط به شاخص‌های کلان علم و فناوری و شاخص‌های خرد آن است، در این میان باید به این مهم اشاره شود که شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌ویژه کارگروه سند نقشه جامع علمی کشوری و دبیرخانه سند گزارش‌هایش را منتشر می‌کنند. همچنین درباره مرکز آمار ایران سوال پیش می‌آید که چرا جمع‌آوری داده این حوزه باید روی دوش این مرکز باشد؟ با این حال مساله اصلی این است که همچنان دیتا و گزارش‌های این حوزه بسیار ناقص بوده و نتیجه‌اش این می‌شود که همه نهادها سنجه و شاخص را گزارش می‌کنند، اما در برخی موارد هیچ متولی‌ای برای این آمارها وجود ندارد. این مساله در بحث نتایج سیاست‌ها می‌نشیند ولی از این دست چالش‌ها به‌شدت اتفاق می‌افتد. باید در زمان طراحی حواس‌مان باشد به‌دنبال چه می‌گردیم و حواس‌مان باشد که در تجربیات قبلی ما چه اتفاقی افتاده است؟ این چیزی است که در شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی سیاست تحت‌عنوان تناسب می‌بینیم. زمانی پیاده‌سازی اتفاق می‌افتد که بیشتر ناظر به ارزیابی در حین اجراست و باید حواس‌مان باشد که مسیر درست قرار داشته باشیم، با این‌حال خروجی‌های بلافاصله‌ای که از آن انتظار می‌رود، بحث کارایی است.

> وقتی نسل جدید یک قانون روی کار می‌آید و وقتی اتمسفر کاری و بازیگران و نیازها درحال تغییرند، نیاز داریم که این قوانین کامل به‌روز شوند، یعنی همان بحثی که می‌گوییم باید از قوانین فیدبک داشته باشیم اما مشکل اینجاست که وقتی نسل جدید قانون روی کار می‌آید، همچنان نسل‌های قبلی هم وجود دارند

معمولا زمانی می‌توانیم روی نتایج اصلی در سطح کلان معنایی داشته باشیم که زمان نسبتا خوبی از آن گذشته باشد و بتوانیم ببینیم بالاخره در آن اکوسیستم با این قانون به چه نتایجی رسیده‌ایم. وقتی قانونی را مثلا در سال ۹۴ مصوب کرده‌ایم و امروز قانون دیگری را روی دست همان قانون می‌زنیم هنوز نتایج کامل آن قانون به‌دست نیامده و ما نمی‌دانیم این قانون چه تبعاتی به‌جا گذاشته است. معمولا می‌گویند باید بین ۱۰ تا ۱۵ سال از یک قانون سطح کلان بگذرد تا بتوانیم اثرات بلندمدت آن را بررسی کنیم. واقعا این سوال پیش می‌آید که وقتی هنوز قانون قبلی‌مان را به‌نتیجه نرسانده‌ایم و هیچ برآورد دقیقی نداریم که چه اتفاقی افتاده است و آیا به نقطه اثر خود رسیده یا نه؛ قانونی دیگر را روی دست آن می‌زنیم. در ایران تنها توضیحی که در این حوزه‌ها وجود دارد، معمولا در قالب تغییرات مدیریتی در سطح کلان است، یعنی یا نمایندگان مجلس تغییر می‌کنند یا دوران ریاست‌جمهوری پایان می‌یابد. این تغییرات باعث می‌شود در حوزه سیاستگذاری و قوانین و مقررات رویکردها عوض شود و تغییراتی جدی اتفاق بیفتد.

چرا کشورهایی مثل ژاپن و کره‌جنوبی در حوزه اس‌دی‌آی مسیری را که کشورهای صنعتی مثل آمریکا و انگلیس ۲۰۰ ساله با انقلاب صنعتی گذرانده‌اند، در دوره زمانی ۴۰ تا ۵۰ ساله گذرانده‌اند؟ امروز چین نیز همان مسیر را با تفاوت‌های دیگری طی می‌کند. به‌نظر می‌رسد ثبات سیاستگذاری و ارزیابی‌های دوره‌ای از رمزهای موفقیت اصلی این کشورها باشند، یعنی وقتی برنامه‌ریزی می‌کنند، این برنامه‌ریزی را برای ۴۰ یا ۵۰ سال خود می‌بینند، نه اینکه در دوره کوتاه‌مدتی، رویکرد را تغییر دهند. ما اسناد بالادستی داریم، مثل سند چشم‌انداز و نقشه جامع علمی کشور، درحالی که در بحث طراحی و تدوین به‌شدت کوشش صورت می‌گیرد و متخصص‌های بسیاری درگیر آن می‌شوند اما درست در زمانی که باید دائما مسیر را پایش کنیم و حواس‌مان باشد و مرتبا خروجی‌ها را ببینیم و بدانیم که به کجا می‌رویم، اسناد رها و ضعیف می‌شوند، پس نتیجه این می‌شود که ما نقطه اثر نداریم و به راهکارها و خروجی‌های موقت می‌رسیم. البته یکی، دو تجربه خوب هم داریم که صحبت می‌کنیم. حواس‌مان باشد در سطح سیاستگذاری خط‌مشی‌ها و قوانین سطح کلانی داریم و ذیل آن یک‌سری برنامه و برنامه‌های راهبردی داریم. برنامه و فعالیت‌ها را زیرمجموعه آن داریم و بعد از ارزیابی سیاست صحبت می‌کنیم. وقتی از ارزیابی سیاست صحبت می‌کنیم می‌توانیم کل این دامنه را درنظر بگیریم اما آنچه واضح است و در مجامع سیاستگذاری در سطح کلان

نیمکت خبر

آیین‌نامه آموزش‌های مهارت‌محور تدوین می‌شود

محمدعلی زلفی‌گل، وزیر علوم در همایش ملی مهارت‌افزایی، هدایت شغلی و صلاحیت حرفه‌ای در آموزش عالی کشور، گفت: «در قانون برنامه هفتم توسعه که امروز در دولت نهایی و مصوب شد، حکمی را آورده‌ایم که براساس آن قرار شد وزارت علوم با همکاری وزارت بهداشت آیین‌نامه‌ای را تدوین کنند که براساس آن، دستگاه‌های اجرایی و صنایع خصوصی و دولتی مکلف و موظف شوند درخصوص آموزش‌های مهارت‌محور خدماتی را ارائه دهند.» وی افزود: «در این آیین‌نامه، قرار است روسای دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه‌های فنی حرفه‌ای و علمی کاربردی در زمینه آموزش مهارت‌محور کمک کنند.» زلفی‌گل ادامه داد: «در دنیا همیشه جدیدترین فناوری‌ها در نیروهای نظامی و انتظامی و ستادکل نیروهای مسلح بروز و ظهور می‌کند و سرریز آن فناوری‌ها بعدا داخل جامعه می‌آید و به خلق ثروت و خدمت تبدیل می‌شود، از این باب ارتباط وزارت علوم با ستادکل نیروهای مسلح می‌تواند منشا خیرات و برکات باشد.»

تامین ۸۰ درصد از هزینه‌های تحقیق و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان

علی‌محمد سلطانی، رئیس صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور در گفت‌وگو با ایسنا علوم و فناوری کوانتوم را یکی از موضوعات نوظهور و روبه آینده دانست که به‌صورت انکارناپذیری در آینده کشورها تاثیرگذار خواهد بود. وی ادامه داد: «از این رو صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران، برنامه‌ای را متناسب با شرایط جهانی و کشور آماده کرده و در قالب این برنامه حداقل ۱۰ طرح پژوهشی مختلف از پژوهشگران دریافت خواهد کرد.» سلطانی حمایت از تعداد زیادی پژوهشگران پسادکتری و رساله‌های دکتری را از دیگر رویکردهای این برنامه نام برد و اظهار کرد: «هدف ما از تدوین این برنامه آن است که در مدت ۴ سال به فناوری‌های کلیدی کوانتوم در حوزه حسگری کوانتوم دست یابیم.» وی افزود: «در این برنامه شرکت‌های دانش‌بنیانی که علاقه‌مند هستند در نسل بعدی محصول تولیدی خود که شامل محصولات رقابت‌پذیرتر، پیچیده‌تر و صادراتی‌تر می‌شوند، سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه کنند، ۸۰ درصد از هزینه‌ها از سوی صندوق تامین خواهد شد.»

امکان دسترسی مناطق محروم به خدمات پزشکی با استفاده از هوش مصنوعی

آرش خجسته، رئیس دانشگاه هوشمند در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجو، با اشاره به نقش هوش مصنوعی در سلامت مردم گفت: «در سال‌های اخیر استفاده از فناوری‌های پیشرفته دیجیتالی و هوش مصنوعی در سلامت مردم به‌عنوان یکی از راهبردهای اصلی کشورهای درحال توسعه قرار دارد و این امر می‌تواند به عدالت در درمان نیز منجر شود.» او با اشاره به مزایای هوش مصنوعی در خدمات علوم پزشکی ادامه داد: «استفاده از فناوری هوش مصنوعی در اکثر موارد امکان دسترسی نقاط محروم و دور دست را به خدمات پزشکی فراهم می‌کند یا پرستاری مجازی در دوران سالخوردگی را تسهیل خواهد کرد، همچنین پزشکی شخصی‌محور می‌تواند از مزایای کاربرد هوش مصنوعی در علوم پزشکی باشد.» خجسته گفت: «ایجاد مدرسه هوش مصنوعی در سال اول و همچنین برگزاری کنگره‌هایی در این زمینه از جمله اقدامات برای ترویج فرهنگ هوش مصنوعی در آموزش علوم پزشکی بوده است. البته برای ایجاد تاثیر مثبت در سلامت مردم به زیرساخت‌هایی نیاز داریم که برخی از آنها خارج از وزارت بهداشت است و نیاز به همکاری وزارت ارتباطات و سایر حوزه‌ها خواهد بود.»

جذب نخبگان در دستگاه‌های اجرایی آغاز شده است

میثم شهبازی، معاون توسعه و مدیریت منابع بنیاد ملی نخبگان گفت: «مهم‌ترین محورها در بنیاد موضوع معیشت، اثرگذاری و بهره‌مندی از ظرفیت نخبگان برای حل مسائل کشور است.» وی درباره طرح بورسیه صنعتی دانشجویان گفت: «این طرح بسیار ارزشمند و راهگشاست و سبب می‌شود دانشجویان مستعد برتر مقارن با تحصیل، در واحد اقتصادی نیز مهارت‌های عملی را فرا گیرند.» شهبازی افزود: «در ابتدای راه اجرای این طرح هستیم و به‌مرور ایرادات آن نیز مرتفع خواهد شد و معاونت توسعه و مدیریت منابع بنیاد نیز در این راه همراه و همگام است.» وی افزود: «اشتغال نخبگان در چند محور مختلف پیگیری می‌شود که یکی از آنها جذب در دستگاه‌های اجرایی است.» معاون توسعه و مدیریت منابع بنیاد ملی نخبگان گفت: «در تعامل با سازمان امور اداری و استخدامی، عملیات استخدام نخبگان در دستگاه‌های اجرایی آغاز شده و فرآیند جذب درحال اجراست.»

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

دیده می‌شود معمولا سطح قوانین و مقررات و سیاست‌های سطح کلان است.

وقتی از معیارهای ارزیابی صحبت می‌کنیم، روی تناسب و اثربخشی و کارایی می‌نشینند، سه سوال اصلی در این میان مطرح است؛ اول اینکه آیا اقدامی که می‌خواهیم انجام دهیم درست است یا نه؟ آیا هدف گذاری و نیازسنجی درستی شده است یا نه؟ آیا ما امروز اقدام درستی را در دستور کار قرار داده‌ایم یا خیر؟ در بحث کارایی می‌گوییم آیا می‌توان اقدام را بهتر انجام داد یا نه؟ یعنی ناظر بر آن فرآیند است. دوستانی که مدیریتی هستند، می‌دانند در اینجا بحث مطالعات بهره‌وری را داریم که می‌گوید آیا با ورودی که ما درنظر گرفته‌ایم به آن خروجی حداکثری رسیده‌ایم یا خیر یا می‌توانیم با آن ورودی که درنظر گرفته‌ایم به خروجی بهتری دست پیدا کنیم؟

در سطح اثربخشی همان‌طور که عرض کردم روی نتایج میان‌مدت و بلندمدت بیشتر می‌نشیند و اینکه آیا ما به آن اهداف غایی رسیده‌ایم یا خیر؟ نتایج ما با آن هدف گذاری اولیه‌مان در سیاست همخوانی دارد یا خیر؟ بر این اساس ما سیاستگذاری ارزیابی را به‌صورت یک کل منسجم و زنجیره ارزش را در سه بخش می‌بینیم؛ اول طراحی و تدوین است. دوم جایی که اجراست و سوم به ارزیابی عملکرد نتایج بازمی‌گردد.

انسجامی بین بندهای سند وظایف وزارت عتف با اسناد بالادستی پس از آن وجود ندارد

روش ارزیابی؛ که براساس آن بافت ارزیابی بسیار متفاوت می‌شود، در ایران معمولا مجمع خبرگان بهترین روش است، پس از آن نمایه‌سنجی صورت می‌گیرد، یعنی بحث‌های شاخص را بر عملکرد نشاندن هم بسیار مورد پسند است ولی در برخی حوزه‌ها برای مثال قانون جهش دانش‌بنیان را می‌خواهیم ارزیابی کنیم. این موضوع به این برمی‌گردد که اثر آن روی شرکت‌های دانش‌بنیان چه بوده و آنجا لازم است که مثلا پیمایشی از جنس پیمایش نوآوری انجام دهیم و ببینیم این قانون روی بحث توسعه شرکت‌ها در بحث فناوری یا نواوری چه اثری داشته است.

یکی از موضوعاتی که براساس این چهارچوب تحلیل کردیم قانون اهداف و وظایف تشکیلات وزارت علوم بود. دوستان می‌دانند ما در این قانون با این وجود که قانون کلیدی این حوزه است؛ مشکلاتی کلیدی داریم. مباحث مختلفی حول آن وجود دارد اما مهمترین موضوع سال تصویب قانون است. می‌دانیم که سال تصویب این قانون ۱۳۸۳ بود. وقتی متن قانون را می‌خوانید، کاملا متوجه می‌شوید که فضای حاکم بر حوزه علم و فناوری و نوآوری در آن زمان نسبت به وضعیت کنونی، کاملا در حال رشد و توسعه بود و به بلوغی که امروز داریم، نرسیده بود. بنابراین بندهایی که برای این قانون دیده شد، بسیار کلی است. ضمن اینکه وزارت علوم هم تقریبا تنها بازیگر اصلی این حوزه در آن زمان بود.

یعنی هنوز نهادهایی مانند بنیاد ملی نخبگان و معاونت علمی و فناوری و نوآوری ریاست‌جمهوری و شورای عالی انقلاب فرهنگی را به این قوت در کنار وزارت علوم نداشتیم. به همین خاطر بسیاری از وظایفی که در شرح قانون اهداف و وظایف تشکیلات وزارت علوم است را می‌بینیم که به صورت موازی در دستور کار نهادهایی که بعد از این تصویب تشکیل شده‌اند، وجود دارد. بنابراین آنجایی که بحث انسجام قوانین را از حیث افقی یعنی با نهادهای هم‌سطح می‌بینیم و از جنس عمودی یعنی با نهادهای بالا دست آن می‌بینیم، یک چالش جدی از حیث ارزیابی سیاست و خط مشی وجود دارد. مهم‌ترین عاملش نیز این است که بعد از قانون اهداف وظایف و تشکیلات وزارت علوم، سیاست‌های کلی علم و فناوری سال ۹۴ مصوب شده و نقشه جامع علمی کشور در سال ۸۹ مصوب شد. یعنی کاملا متاخر این قانون هستند. هیچ انسجامی بین بندهایی که در این اسناد بالا دستی آمده با قانون اهداف وظایف تشکیلات وزارت علوم وجود ندارد.

زمانی به مقایسه قانون و اهداف می‌رسیم که وزارت علوم در کنار بنیاد ملی نخبگان و یا معاونت علمی است. این عدم تطابق و هم‌پوشانی‌ها کاملا چشمگیر است. مهم‌تر از آن، ما در ارزیابی قانون به این نتیجه می‌رسیم که شورایی که جایگاه حکمرانی دارد، یعنی شورای عالی عتف در قانون اهداف و وظایف وزارت علوم در یکی از بندهای قانون به عنوان زیر مجموعه وزارت علوم در نظر گرفته شده است؛ یعنی ساختاری که امروز وجود دارد و زیر مجموعه معاونت پژوهشی وزارت علوم است. خب این موضوع کاملا با جایگاه فرادستی که برای شورای عالی عتف در نظر گرفته شده از حیث قانونی در تعارض است.

ما این قانون را بررسی می‌کنیم. از حیث هدف گذاری که با قانون‌های بالادستی و شرح وظایف نهادهای افقی کاملا تعارض‌های جدی وجود دارد. در بهترین حالت بین ابزارهای سیاستی و اهداف سیاستی این قانون با قوانین بالادستی و قوانین هم‌جوار و سطح افقی و یا برنامه‌ها و سیاست‌های این سطح می‌بینیم که ۲۷ درصد حدودا انسجام ابزار سیاستی دارد و هدف گذاری آن نیز کمتر از ۲۱ درصد بود.

زمانی که چنین تحلیلی را جلوی سیاستگذار می‌گذاریم و همچنان در برابر تغییر چنین قانونی مقاومت دارد؛ ابهام جدی به وجود می‌آید. اما زمانی که به عقبه این موضوع باز می‌گردیم؛ متاسفانه بحث‌های سیاسی کاملا روی این موضوع تاثیرگذار است و به جای اینکه قانون را به‌روزرسانی کنند، قانون تصویب می‌کنند. البته به‌روزرسانی قانون فرایند بسیار پیچیده و طولانی‌مدتی است. پس ما زمانی ممکن است ارزیابی و برآوردی داشته باشیم از اینکه قانونی داریم که در طراحی و تدوین آن دچار چالش جدی هستیم. مثلا قانون وظایف تشکیلات وزارت‌علوم در طراحی دچار چالش جدی است و به زمانی برمی‌گردد که تصویب شده، آن زمان تازه پارک‌های علم و فناوری در حال تصویب بودند و در اکوسیستم فناوری تا این حد پررنگ نبودند. آن زمان نهادهایی مثل مراکز نوآوری اصلا وجود نداشتند یا تازه جرقه‌های اولیه آن زده شده بود.

آن دوران در اکوسیستم‌ها شتاب‌دهنده‌ها را اصلا نداشتیم و چیزی تحت عنوان نهادهای توسعه و فناوری به همان صورت کلی در قانون وظایف تشکیلات داشتیم؛ که این موارد الزام آن زمان بوده است. اما در حال حاضر باید با تغییراتی اتفاق می‌افتاد که نیفتاد.

زمانی که ما به خروجی‌های آن زمان می‌رویم، مشاهده می‌کنیم در آنجا هم بحث‌های بسیاری از جمله هم‌پوشانی وظایف معاونت‌های مختلف وجود دارد. مثلا ما چیزی تحت عنوان مرکز امور وزارت بین‌الملل داریم که برخی از فعالیت‌های آن با معاونت پژوهشی و فناوری و آموزشی وزارت علوم هم‌پوشانی دارد؛ با این وجود که خود این مرکز بخش زیادی از فعالیت‌هایش با بحث بنیاد نخبگان مشابهت و هم پوشانی دارد. در حال حاضر نیز در قانون اهداف به نظر می‌رسد که این شکاف در حال بزرگ شدن است و باید به آن توجه کرد. بحث دیگری در مورد قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر داریم. به این دلیل که از زمان تصویب این قانون ده سال نگذشته و ما بر روی خروجی‌های میان مدت آن می‌توانیم، صحبت کنیم. این ارزیابی از نوع فرآیندی است که روی کارایی و اثربخشی قانونی است که در بحث رقابت‌پذیر شدن تولید دانش‌بنیان وجود دارد.

> در دوره دوم سند ده ساله نانو آمدند و دیدند که در حوزه پژوهش خوب پیشرفت کردیم اما در حوزه‌هایی مانند تولید پتنت و تجارت در این حوزه عقب هستیم؛ بنابراین با توجه به این که برآوردی و ارزیابی که داشتند، می‌دانستند که در ده سال ابتدایی چه کاری انجام دادند و در کجا خلأ وجود دارد. بنابراین در برنامه ده ساله دوم سعی کردند، جایی که حمایت انجام داده بودند حمایت‌ها را معقول‌تر کنند

در سند ملی توسعه علوم و فناوری نانو، ارزیابی حین فرآیند صورت گرفته است

اگر با برنامه‌های نانو آشنا باشید، می‌دانید که با برنامه ۱۰ ساله اول این سند بیشتر در حوزه ترویج و آموزش و پژوهش بود یعنی تسهیلاتی که اعطا می‌شد بیشتر برای این بود که رشته‌های حوزه نانو در دانشگاه‌ها راه بیفتد و دانشجوها به این سمت بیایند و دانشجوها در این حوزه باشند. همینطور انتشارات در این حوزه باشد و خوشبختانه به دستاوردهای خوبی رسیدند. به این معنا که در دستاوردهای پژوهشی و کمی، رشد تولید علم نانو در ایران به رتبه زیر ۵ هم دست پیدا کرد و در حال حاضر نیز جزء افتخارات این حوزه است. از دیگر دستاوردهای این برنامه این بود که پایگاه‌های داده خوبی تعیین شد که ترویج سی‌پی‌وی مختلف دانش‌آموزی و دانشجویی از این دست هستند. در دوره دوم سند ده ساله نانو آمدند و دیدند که در حوزه پژوهش خوب پیشرفت کردیم اما در حوزه‌هایی مانند تولید پتنت و تجارت در این حوزه عقب هستیم؛ بنابراین با توجه به این که برآوردی و ارزیابی که داشتند، می‌دانستند که در ده سال ابتدایی چه کاری انجام دادند و در کجا خلأ وجود دارد. بنابراین در برنامه ده ساله دوم سعی کردند، جایی که حمایت انجام داده‌اند و به نقطه خوبی رسیده بود، حمایت‌ها را کاهش دهند و معقول‌تر کنند و آن جایی که توسعه پیدا نکرده بود، به خصوص دستاوردهای تجاری خود را پررنگ‌تر کردند. به عنوان مثال کارگزاری‌های بسیار خوبی را در حوزه تجاری‌سازی آوردند که از ثبت پتنت خارجی حمایت کند. و همینطور در بحث‌های تولید هم اقدامات بسیار خوبی انجام دادند. حداقل این که با توجه به ارزیابی‌های خود که بر روی برنامه‌های راهبردی صورت گرفت، برآوردهای خوبی داشتند. همانطور که مشخص است در این سند، هم شاخص طراحی شده بود و هم بازبینی‌های دوره‌ای بینابین داشتند. هم این که در نهایت بعد از ۵ سال ارزیابی می‌کردند که در این چند سال چه کاری انجام داده‌ایم و به نقطه‌ای رسیدیم و در کجا نقطه ضعف و قوت داشته‌ایم؟ بنابراین موضوع دیگر نیز این است که در مدیریت این برنامه‌ها و زیر مجموعه‌های آن فرد یا افرادی را داشتند که وظیفه آن کار ارزیابی بود و این موضوع نقطه قوت این کار بود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما در بحث ارزیابی، مدیریت دانش و داشتن اطلاعات است

نکته دیگر قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر است که برای کارایی و اثر بخشی است. کارهایی هم که انجام شد بیشتر ناظر بر ارزیابی خروجی‌ها و گذشته‌نگر بود یعنی این که قبلا چه اتفاقی افتاده است و چه خروجی‌هایی گرفته‌ایم که در بحث بازارهای مادی انجام شده است اما این ماده نزدیک به ۱۷ ماده بود که از این قانون، مجموعه ۶۰ بند آن مربوط به حوزه بازارهای مالی می‌شود و در ارزیابی خط مشی به این صورت اقدام شد که ما ببینیم بر روی هر ماده چه اتفاقاتی افتاده است و متولی آن که بوده است و آن متولی چه اقداماتی انجام داده است؟ به عنوان مثال ماده اول که مستثنی شدن برخی معاملات مربوط به اوراق بهادار از قانون مناسبات عمومی کشور بوده است که متولی آن خزانه داری کل کشور در وزارت امور دارایی و بورس اوراق بهادار است در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۴ آیین‌نامه‌ای را برای این موضوع تصویب کردند، این اقدامی بود که باید اتفاق می‌افتاد و در مطالب بالاتر شرح داده شد که دقیقا این ماده چه چیزی است. اما آیا این اقدامی که اتفاق افتاد اثرگذاری را از حیث نتایج در راستای این قانون و هدف گذاری‌های خود داشته است یا خیر؟ گزارشی در سال ۹۵ از طریق معاون امور حقوقی ریاست جمهوری به مجلس شورای اسلامی ارسال شد که نقل و انتقال دارایی‌های مبنای انتشار صکوک بود که درخواست دادند برای حوزه‌های خاصی که مد نظر این بند قانونی است در برخی از حوزه‌ها استثنا قائل شوند. اما اجرای آن را برای برخی از نهادها مانند شرکت هواپیمایی ماهان و وزارت آموزش‌وپرورش و... اقدام شده بود که در این گزارش به دقت بندهای استثنا را ارائه کرده بودند و اشاره شده بود که میزان هر کدام از این استثناها به چه میزان بوده است.

اما این موارد در بحث توضیحاتی است که در اثربخشی این گزارش اعلام شده است. اما مساله این بود که این گزارش فقط برای یک سال تا زمانی که این تحلیل ایجاد شده است، باشد. یعنی تحلیل اواخر سال ۱۴۰۰ انجام شد، و پیش از این بود که قانون جهش روی کار بیاید. اما متاسفانه این گزارش تنها یکبار به مجلس اعطا شده بود. بنابراین اقدام اصلی که بحث آیین‌نامه این حوزه بود، انجام شده است و از نظر کارایی مشکلی نداشت. اما آنجایی که به اثربخشی می‌رسیم کار لنگ می‌زند و ناقص است و در اینجا است که ما باید بگوییم که اثربخشی لازم را نداشته است. حتی ممکن است بعد از آن هم اجرایی شده باشد، اما چون گزارش مکتوبی وجود ندارد و اعلام نشده، نمی‌توان روی آن تحلیل دقیقی داشت. بر همین اساس می‌خواهم بگویم که ما یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در حوزه ارزیابی داریم، بحث مدیریت دانش است و اینکه مستند نمی‌شود و دیتای کافی نداریم. اگر از ابتدا سازوکار را در بیاوریم و با مسئول آن، در آن سیاست و برنامه‌ریزی باشیم، به مشکل نداشتن دیتا بر خواهیم خورد. اگر این چالش را در کنار این موضوع قرار دهیم که ما مشکلی در مورد قانونی مانند قانون جهش تولید دانش‌بنیان داریم که اگر کسی که طراح و تصویب کننده است با کسی که قرار است پیاده‌سازی انجام دهد یا بر این قانون نظارت کند، یک نهاد باشد، این شبهه ایجاد می‌شود که چگونه قرار است ما بتوانیم کارهای اثربخشی را به‌طور دقیق برآورد کنیم؛ زمانی که تمام مسائل از مجرای یک قانون اتفاق می‌افتد. در کشورهای دیگر نهادهای ناظر از نهادهای پیاده‌ساز و نهادی که در حوزه ارزیابی اولیه طراح است، متفاوت است که متاسفانه در کشور خودمان این اتفاق نمی‌افتد.

در جمع‌بندی باید بگویم، بحث ارزیابی سیاست و برنامه در سطح کلان در کشور ما به‌شدت ضعیف است. نه تنها در حوزه علم و فناوری بلکه در حوزه‌های دیگر هم این‌طور است. اما در حوزه کاری ما به‌شدت ضعیف است و در معدود مواردی ارزیابی سیاست و برنامه در سطح کلان دیده می‌شود که اغلب از باب ارائه گزارش عملکرد به نهاد بالا دست است. ما به‌ندرت تجربه‌هایی مانند تجربه ستاد نانو را داریم. مثلا اقداماتی که وزارتخانه انجام می‌دهد و ما این موضوع را به آن اقداماتی که انجام داده با برنامه راهبردی سطح کلان وصل نمی‌کنیم که ببینیم با سیاست‌های سطح کلان چه نسبتی دارد و هر چقدر این برآورد به سمت بلندمدت‌تر برود، این موضوع پیچیده‌تر می‌شود و کمتر اتفاق می‌افتد. مثلا ما می‌خواهیم برآورد ۱۰ ساله از قانون یا سیاست داشته باشیم، یکی از مهم‌ترین معضلاتی که در این حوزه داریم متاسفانه این موضوع است که به آن توجه بسیار کمی می‌شود.

فرشته طبرسا، دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی و مجری نشست: همان‌طور که مطرح کردید این موازی کاری‌ها و نقاط فاصله که در حال دیده شدن است، نیاز است که پژوهش‌هایی در این حوزه انجام شود و افراد جدید نیز باید به این حوزه کمک کنند که بتوانیم با پیشنهادات موثری که براساس پژوهش‌ها استفاده می‌شود این مسائل را رفع کنیم. وقتی در مورد موضوع این نشست جست‌وجو انجام می‌دادم گزارشی را از مرکز پژوهش‌های مجلس بود که به بحث بر مقایسه سیاست‌های علم و فناوری با سیاست‌های کلی نظام بود که تدوین شده بود و برخی از قوانینی که از قبل وجود داشته و نیاز است بهبود تحقیقی در این موارد صورت بگیرد یا جایی ویرایش بشود و باید عزم جدی در این حوزه داشته باشیم. یکی از دوستان سوالی را در مورد نقش قانون‌گذاری در سیاستگذاری مطرح کرده بودند. اگر این مورد را هم مطرح بفرمایید ممنون می‌شوم.

سیاستگذاران از قوانین آزمایشی درس نمی‌گیرند

علیزاده: من هم از خانم دکتر فرازکیش تشکر می‌کنم و از مطالب ایشان خیلی استفاده کردم. این سوال بیشتر در حوزه تخصصی دکتر فرازکیش است اما من نکته کوتاهی به نظرم می‌رسد. ما به یک سری قوانین، عنوان آزمایشی اطلاق می‌کنیم و معمولا این دوره آزمایشی با این هدف است که اساسا اگر قانونی، قانون آزمایشی است با این هدف به صورت آزمایشی تصویب می‌شود که اگر بعد از دوره آزمایشی اثربخشی و نتیجه‌بخشی لازم را نداشت، قانون جدیدی جایگزین آن شود. در غیر این صورت همان‌طور که در موضوع ارائه شده دکتر فرازکیش بود؛ اساسا بحث ارزیابی مستمر قوانین یا ارزیابی‌های دوره‌ای یا بازخورد دادن به آن قانون برای اصلاح آن، یک موضوعی است که به بحث دائمی و آزمایشی ندارد.

> یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در حوزه ارزیابی داریم، بحث مدیریت دانش است و اینکه مستند نمی‌شود و دیتای کافی نداریم. اگر از ابتدا سازوکار را در بیاوریم و با مسئول آن، در آن سیاست و برنامه‌ریزی باشیم، به مشکل نداشتن دیتا بر خواهیم خورد. در کشورهای دیگر نهادهای ناظر از نهادهای پیاده‌ساز و نهادی که در حوزه ارزیابی اولیه طراح است، متفاوت است

در مورد قانونی هم که غیرآزمایشی است این رویه برقرار است و باید برقرار باشد و با بازخوردهایی که داده می‌شود، مرتبا بخش‌هایی از آن قانون اصلاح می‌شود اما من به تجربه به موردی برخوردم که مورد بسیار معروفی در حوزه ما است؛ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری. این قانون برای ۵ سال به مدت آزمایشی تصویب شد و هدف این بود زیرساخت‌های لازم برای این قانون در آن دوره زمانی شکل بگیرد. اساسا قانون باید به این سمت که به صورت یک کار دائمی و وظیفه اجرایی دائمی به دستگاهی که در نسخه آموزشی مسئول بودند-قوه قضائیه و اداره طرح‌های صنعتی-برود و در این حوزه قرار بگیرد. اما جالب است که در همان دوره آزمایشی نتایج بررسی قانون نشان داد که این قانون اساسا نیاز به یک تغییر و دگرگونی اساسی دارد و به آن صورت اصلاحات جزئی و ماده و تبصره، کارساز نبود. اساسا ما به این نتیجه رسیده بودیم که قانون به آن شکل، نمی‌تواند نیاز ما را برآورده کند و پاسخگوی مسائل حوزه مالکیت و ثبت اختراع باشد. خیلی جالب است که در اصلاح قانون و بازنگری قانون و تصویب، قانون جدید از لحاظ عنوان و اسکوپ و بدنه اجرا کاملا متفاوت بود. یعنی ما نمی‌توانستیم بگوییم بعد از ۵ سال قانون را دائمی می‌کنیم یا اصلاحات جزئی روی آن انجام می‌دهیم؛ چراکه قرار بود قانون دیگری مصوب شود اما به این دلیل که تعارضاتی بین قوه مجریه و قوه قضائیه به وجود آمد و مقداری حیطه اختیارات و وظایف دو قوه با یکدیگر درگیر شد، عملا ما دچار این حالت شده بودیم که همان قانون آزمایشی یک‌سال به یک‌سال تمدید می‌شد و اجازه نمی‌دادند که قانون جدیدی تصویب شود. دقیقا در جایی که خود قانون آزمایشی اتفاقا یک تلنگر بسیار سازنده و موثری به سیاستگذار می‌داد و به سیاستگذار می‌گفت که ۵ سال اجرای آزمایشی این قانون چه نقطه‌ضعف‌هایی را در نظام مالکیت فکری و مالکیت صنعتی کشور آشکار کرده است و دقیقا در جایی که تغییرات لازم، تغییراتی بود که در لایه سیاستگذاری به آن احتیاج داشتیم.

اجرای قانون ما را به سمتی برده بود و راهنمایی‌هایی به ما کرده بود و نکاتی را برای ما آشکار کرده بود که در حوزه سیاستگذاری، ما باید چه کارهایی انجام دهیم؟ چه تغییراتی انجام دهیم؟ دقیقا در همان لایه سیاستگذار نوعی عدم پذیرش نسبت به این یافته‌ها و نتایج اجرای آزمایشی قانون وجود داشت و عملا آن نتیجه‌ای که قانون‌گذاری آزمایشی باید به سیاستگذاری منعکس می‌کرد را ما شاهد نبودیم.

برخی از قوانین آزمایشی علی‌رغم نتیجه‌بخش بودن به دلیل تغییر رویکرد، تمدید نمی‌شوند!

فرازکیش: معمولا قوانین آزمایشی زمانی مطرح می‌شوند و در نظر گرفته می‌شوند که یا موضوع خیلی پیچیده است و ابهام زیادی دارد و لازم است که مقداری ابعاد بیشتری از آن مشخص شود که بتوانند در مورد آن تصمیم گیری کنند یا اینکه موضوع مهم است اما فرصت و زمان بررسی آن در صحن علنی مجلس وجود ندارد. درنتیجه این قوانین را برای اینکه آن موضوع مهم شهید نشود در شرایطی که موضوعات مهم‌تری قرار دارند، در نظر می‌گیرند و به نمونه خیلی خوب هم خانم دکتر اشاره کردند. مشکل ما با قوانین آزمایشی زمانی ایجاد می‌شود که با یک رویکرد سیاستی خاصی پیش بیایند و انجام بشوند و نتایج خوبی هم داشته باشند اما به سرعت با تغییر رویکردها این قانون را تمدید نکنند. یا اینکه به نتیجه خوبی رسیده است اما در نتیجه عملا اثرات خوب آن قانون را با سهل انگاری نادیده می‌گیرند. موضوع دوم از حیث ارزیابی این است که همزمان با اجرای آن ارزیابی دقیقی از نتایج در حین اجرایی شدن آن قانون وجود نداشته باشد و برعکس، قانونی اجرایی می‌شود که اگر مقداری در فرآیند دقیق شود مشخص می‌شود که اصلا جوابگوی نیاز مورد نظر نبوده است اما با رویکرد خاصی با تمدید این قانون که اغلب به صورت سالیانه تمدید می‌شود اتفاق می‌افتد. موضوع دیگر هم اینکه موقتی بماند و اقدامی برای دائمی شدن آن نشود که اینها معمولا قوانینی است که در رابطه با قوانین آزمایشی با آن مواجه هستیم. اما اگر این قوانین به‌خصوص در حوزه علم و فناوری که جنبه‌های اصلی آن هنوز مشخص نشده است و به دلیل پیچیدگی آن ابهام وجود دارد را بتوانیم هدف گذاری درستی برای آن داشته باشیم و از این ابزار به‌عنوان ابزار مثمرثمر در توسعه علم و فناوری استفاده کنیم، قطعا نتایج خوبی خواهد داشت.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب هاشم نورمحمدان فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۲۹۴۰ صادره از کرج مقطع کارشناسی پیوسته رشته مهندسی کشاورزی (علوم دامی) صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد کرج با شماره ۱۴۸۴۱۱۵۰۱۸۷۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج-رجایی‌شهر-بلوار موذن ارسال نماید.

✦

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سیدحسن مدنی لمراسکی فرزند سیدابراهیم با کدملی ۵۰۹۴۴۷۹۴۳۷۸ صادره از مشهد در مقطع کارشناسی پیوسته رشته معماری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی گرگان مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به نشانی گرگان-بزرگراه شهید کلانتری-خیابان دانشگاه آزاد اسلامی-مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی گرگان-اداره امور دانش‌آموختگان ارسال نماید.

✦

مدرک پروانه مطب شنوایی‌شناسی اینجانب مریم اسدی فرزند حسین به شماره نظام پزشکی ۷۳۴ مربوط به شبکه بهداشت شهریار مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آرای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض خانم شهناز سرخدری شناسنامه ۸۷ به شماره ملی ۲۱۲۲۲۱۲۳۷۳ صادره از گرگان فرزند عباسعلی متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۷۵۲ در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۲۱۳٫۹۵ مترمربع از پلاک شماره ۲۱۰- اصلی واقع در اراضی سرخنکلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذی‌صلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

حجت‌الله تجری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ گرگان
م.الف ۱۵۵۹۳
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۲/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲/۳/۹

آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان رامسر

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود پلاک ۳۳ فرعی از ۵۱ اصلی واقع در پتک بخش ۵ ثبت رامسر به نام ابراهیم زمانی فرزند حسینعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به صورت انباری طبق شماره رای ۱۴۰۱۶۰۳۱۰۰۰۹۰۰۵۷۹۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ هیات قانون تعیین تکلیف در ساعت ۱۱:۳۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد.

لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می‌شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند. بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد. معترضین می‌توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آیین‌نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتباً به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند. در غیر این صورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض فاصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می‌یابد.

تاریخ انتشار آگهی تحدید حدود: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹
م.الف-۱۵۰۴۵۱۵
امیرسیاه مشتهئی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان رامسر